

از آن همه دیروز / بازخوانی تاریخ

## در فیلم «از کرخه تا این» چه کسی سوت می‌زد؟



علیرضا خورشیدفر، سال ۱۳۲۶ در تهران متولد شد. از ۹سالگی شروع به یادگیری ساز آکاردئون کرد و در ۱۲سالگی وارد هنرستان عالی موسیقی شد و سپس برای ادامه تحصیل ساز کنترباس را انتخاب کرد. اولین تجربه‌های حرفه‌ای رادر سال ۱۳۴۶ با فعالیت در ارکسترهای رادیو از جمله ارکستر بزرگ، ارکستر گل‌ها و ارکستر دانشگاه تهران آغاز کرد و در سال ۱۳۴۸ به طور رسمی وارد ارکستر سمفونیک تهران شد که این همکاری

تا آخرین روزهای حیاتش ادامه داشت. از اوایل سال ۱۳۵۷ تا قبل از درگذشتش به عنوان مایستر گروه کنترباس در ارکستر سمفونیک تهران حضور داشت. از سال ۱۳۶۷ به‌عنوان استاد کنترباس در هنرستان موسیقی پسران مشغول تدریس شد. همچنین در طرح ارزشیابی هنرمندان کشور در سال ۱۳۶۷ به عنوان هنرمند درجه یک شناخته شد. علاوه بر نوازندگی کنترباس در اجرای سوت با بسیاری از آهنگسازان همکاری داشته است. سوت فیلم معروف از کرخه تا این به آهنگسازی مجید انتظامی را او در استودیو با دهانش نواخت. او بیش از پنج دهه سرگروه باس های ایران بود و در خلق آلبوم‌های زیادی به عنوان نوازنده حضور داشت.

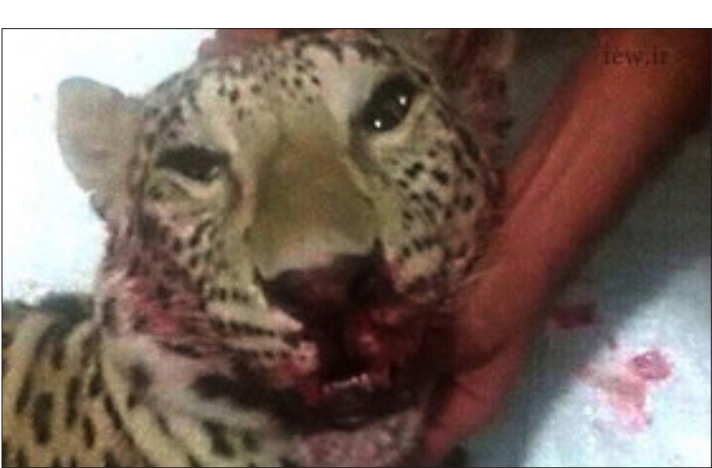
بسیاری از صاحب‌نظران حوزه موسیقی از او به عنوان یکی از چهره‌های ماندگار و پایه‌های اصلی ارکستر سمفونیک تهران یاد می‌کنند. دکتر محمد سریر در باره خورشیدفر گفته است: «او اگرچه کمتر شناخته شده، اما به عنوان استاد اول و عضو موثر ارکستر، حضوری تعیین‌کننده در همه اجراهای ارکستر سمفونیک تهران داشته است». علیرضا خورشیدفر صبح پنجم آذرماه ۱۳۹۳ درگذشت.

**خودزنی / محیط زیست**

## جریمهٔ نقدی ترویج خشونت در جامعه چقدر است؟

شاید شما هم فیلم «سلاخی پلنگ در ملأعام» رادر فضای مجازی دیده و حواشی مربوط به آن را پیگیری کرده باشید. سرهنگ حمیدرضا خیلدار فرمانده یگان سازمان حفاظت محیط زیست در خبری که در سایت سازمان محیط زیست منتشر شده، با اعلام اینکه وقوع جرم (سلاخی پلنگ) به تاریخ ۱۳ مهر ۱۳۸۷ توسط فردی به نام جبار کریمی در روستای راشک از توابع شهرستان سپیدار استان فارس بوده، گفته است: مجرم با نام اصلی جبار کریمی و نام مستعار پژمان در تاریخ ۱۲ آذر ۱۳۸۷ به دادگاه معرفی و محکوم به پرداخت یک میلیون و ۶۰۰ هزار تومان جریمه نقدی می‌شود که پس از دریافت جریمه، قرار منع تعقیب برای مجرم صادر می‌شود. این اتفاق مربوط به سال‌های قبل است و باید ردپای آن را در دولت قبلی دنبال کرد و از مسئولین وقت پاسخ خواست.»

علی تیموری؛مدیرکل حفاظت و مدیریت شکار و صید سازمان حفاظت محیط زیست هم در باره این فیلم گفته است: «سازمان حفاظت محیط زیست در سال ۹۲ مطالبات ضرر و زیان کشتن پلنگ را از پنج میلیون تومان به ۸۰ میلیون تومان افزایش داده است. با افزایش رقم ضرر و زیان دیگر کسی جرأت کشتن یک پلنگ را ندارد چه برسد به اینکه در سال ۹۴ عده‌ای به صورت خانوادگی به سلاخی یک قلاده پلنگ پرداخته و فیلم آن را پخش کنند». سرهنگ حمیدرضا خیلدار و آقای علی تیموری از جهتی حق دارند؛ سازمان حیط زیست قرار نیست بابت مسأله‌ای که در دوران ریاست جمهوری آقای احمدی‌نژاد اتفاق افتاده پاسخگو باشد. ماجرامربوط به سال ۷۸ است و جبار کریمی که در فیلم یادشده از او با عنوان «جبار پلنگ کش» نام می‌برند، با پرداخت جزای نقدی کشتن یک پلنگ براساس تعرفه رایج در دههٔ هشتاد، دارد راست‌است برای خودش می‌چرخد. اما مسأله‌ای جدی‌تر در این میان به‌فراومشی سپرده شده‌و آن اینکه در عمل این فرد و کسانی که حین سلاخی آن پلنگ بی‌نوا و ارتشویق و تشجیع می‌کنند، میل پنهان و عجیبی به خشونت موج می‌زند. آیا کسی بوده یا هست که «جبار پلنگ کش» را به خاطر ترویج خشونت در جامعه تنبیه و مجازات کند؟ آیا همین که این فرد جریمه نقدی کشتن پلنگ را پرداخت کند کافی است و بعد از آن باید برای او قرار منع تعقیب صادر شود؟ دستگاه قضایی ما در حال حاضر با سازمان محیط زیست همکاری گسترده‌ای دارد. اما در دادگاه‌هایی که برای اعلامن کشتار بی‌رحمانه حیوانات در این سرزمین برگزار می‌شود، در کنار صدور احکام مربوط به جرائم نقدی وایزندان‌هایی که به راحتی می‌توان با پول خریدشان، به علل و عوامل روحی و روانی شکارهای غیر مجاز هم رسیدگی می‌شود؟ کسی که می‌تواند یک پلنگ یا هر حیوان دیگری را این‌طور بی‌رحمانه سلاخی کند و با افتخار از صحنه ارتکاب جرم خودتصویر برداری کند، خشونت رادر جامعه ترویج می‌دهد و می‌تواند برای چنین کاری محمل‌های دیگری جز کشتار حیوانات هم بیابد. مروری بر اخبار مربوط به شکارهای غیر مجاز از فروردین ۹۴ تاکنون به‌ما ثابت می‌کند جرائم سنگین و صدور حکم زندان، کشتار در حیات وحش ایران را متوقف نکرده است. اینکه ما فکر کنیم با قرار جریمه هشتاد میلیون تومانی می‌توان مانع خشونت شد، رویایی کودکانه بیش نیست. راستی جریمهٔ نقدی ترویج خشونت در جامعهٔ ما چقدر است؟



**فارسی را پاس بداریم**

### هرگز در رستوران «احمد بی» غذا نخورید!

ایا مرض بندنویسی و شیوع آن در میان عموم ایرانیان لاعلاج است؟ نمی‌خواهم ناامیدتان کنم. اصلا به خودم اجازه نمی‌دهم در این ستون که به نام نامی زبان شیرین فارسی مزین است حرف از ناامیدی بزنم اما باور فرمایید چگونه نوشتن‌های هموطنان و همکاران گرامی طاق از من ر بوده و هر آینه ممکن است کار دست خودم بدهم و با خلق خدا دست به گریبان شوم. اگر لطف خوانندگان فرضی این ستون نبود و همین مقدار امکان درد دل کردن نداشتم، ممکن بود شبانه به بعضی مراکز اداری و تجاری حمله‌ور شوم و بیلبورد و تراکت و نوشته‌های دیگری از این دست را با خشونت هرچه تمام‌تر پایین بیاورم تا بلکه آبی باشد بر آتشی که در دلم شعله‌ور است. وقتی از در و دیوار غلط می‌بارد آدم چقدر می‌تواند ساکت بماند؟ چقدر باید صبر کند. چقدر با خودش بگوید اشکالی ندارد؟ از سر در بانک‌ها و اداره‌هایمان گرفته تا تابلوی رستوران‌ها و فروشگاه‌هایمان تا روزنامه‌ها و نشریات‌مان همه جا و هر نوشته‌ای مملو از غلط است.

|| اوقات شرعی: آذان صبح: ۵:۱۹ | آذان ظهر ۱۱:۵۱ | غروب آفتاب: ۱۶:۵۳ | آذان مغرب: ۱۷:۱۲ |

**نان داغ کباب داغ / تازه‌های نشر**

## روباه‌های کوچکی که سر از هالیوود در آورند

**نشر قطره «روباه‌های کوچک» اثر لیلین هلمن را منتشر کرد**

روباه‌های کوچک اثر لیلین هلمن، نویسنده آمریکایی، تازه‌ترین عنوان از مجموعه ارزشمند «جامانده‌ها» ی نشر قطره است که با نظارت نغمهٔ ثمنینی ترجمه و منتشر می‌شوند. این مجموعه به‌انتشار آثار مهم در تاریخ ادبیات نمایشی، از یونان باستان تا دوران معاصر (قبل از ۱۹۵۰) اختصاص دارد. آثاری که به دلایل مختلف جامانده و تاکنون در ایران فرصت نشر پیدا نکرده‌اند. لیلین هلمن از مهم‌ترین نمایشنامه‌نویسان آمریکایی قرن بیستم محسوب می‌شود، اوایل قرن (۱۹۰۵) به دنیا آمد و تقریبا در اواخر آن (۱۹۸۴) با زندگی وداع کرد. زندگی هلمن به اندازه خود آثارش جالب بود. هم به خاطر دوران پرفراز و نشیبی که شاهد آن بود و گرفتاری اش در مکار تیزم که لکه سیاهی برای آمریکای مدعی دموکراسی در میانه قرن بیستم بود (او شرح مفصل این جریان را در کتاب زمانه شید نوشته است)؛ و هم به دلیل زندگی مشترک او با دشیل همت که در سبک خود نویسنده‌ای دوران‌ساز و ممتاز بود. همت به دلیل بی‌علاقگی اش به تئاتر مدام هلمن را تشویق می‌کرد به جای نمایشنامه داستان بنویسد، اما در تقدیر او اینگونه رقم خورده بود که با یکی از موفق‌ترین نمایشنامه‌نویسان روزگار خود زندگی کند. برخی از نمایشنامه‌های هلمن در دوران خود قریب به هفتصد اجرا داشته‌اند. البته هلمن به خصوص در ایام جوانی آثار داستانی هم نوشته است اما شهرت و اعتبار او امروزه بیش از هر چیز مدیون نمایشنامه‌هایی است که از او برجای مانده است. روباه‌های کوچک نمایشنامه‌ای سه‌پرده‌ای ست با ده شخصیت که در اوایل قرن بیستم می‌گذرد. محل آن یک شهر جنوبی کوچک و خانه‌ای اعیانی است. هلمن در این نمایشنامه که در سال ۱۹۳۹ به اجرا گذاشته شد، نگاهی واقع‌گرایانه و انتقادی به خرده‌بورژوازی دارد. این نمایشنامه همانند دیگر آثار هلمن از درون سنتی در نمایشنامه‌نویسی بیرون آمده که در آن استحکام داستان بیشترین اهمیت را دارد. به عبارت دیگر از منظر روایی به نمایش های

**گردش روزگار برعکس است**



**و این منم / زنی تنها/ در آستانهٔ فصلی سرد... (فروغ فرخزاد)**

**با کاروان حله / اخبار هنر**

## چرا ویل اسمیت در فیلم تارانتینو بازی نکرد؟



بازیگر «در جست‌وجوی خوشبختی» پیشنهاد بازی در فیلم «جنگوی آزادشده» را به دلیل تفاوت دیدگاه با کارگردان فیلم در باره سیر آفرینش داستان رد کرد. ویل اسمیت نخستین انتخاب برای نقش اصلی فیلم «جنگوی آزاد شده» بود، اما این بازیگر پیشنهاد بازی در این فیلم را نپذیرفت. اسمیت در میزگرد سالانه بازیگران نشریه هالیوودر پیورتر دلیل از دست دادن این فرصت را شرح داد. او در این باره گفت: «داستان

مردی که برای نجات دادن زنش از پرده‌گی آدم‌کشی‌ی افرا می‌گیرد، بی‌نقص‌ترین داستانی بود که همیشه می‌خواستیم. اما مسئله این بود که من و کوئنتین دیدگاه‌های متفاوتی در باره داستان داشتیم.» البته بازیگر «مردان سیاه‌پوش» پیش از رد کردن پیشنهاد بازی در این فیلم، با تارانتینو ملاقات و ساعات‌ها در باره فیلم با او گفت‌وگو کرد. اسمیت گفت: «خیلی مشتاق بودم که در «جنگوی آزادشده» بازی کنم، اما احساس می‌کردم فیلم باید یک داستان عاشقانه باشد، نه داستانی در باره انتقام‌جویی». او در ادامه توضیح داد: «مانمی‌توانیم به حوادث پاریس نگاه کنیم و به فکر تلافی کردن آن باشیم. خشونت به‌بازتولید خشونت منجر می‌شود. من با این ایده که خشونت راه حل مشکل است، ارتباط برقرار نمی‌کنم. باید عشق را به عنوان پاسخ در نظر گرفت.» در نهایت ویل اسمیت بازی در این فیلم را نپذیرفت و جیمی فاکس به جای او نقش اصلی «جنگوی آزادشده» را بازی کرد. این فیلم سال ۲۰۱۳ در رشته‌های بهترین فیلم‌نامه غیراقتباسی (کوئنتین تارانتینو) و بهترین بازیگر نقش مکمل مرد (کریستوف والترز) برنده جایزه اسکار شد.

کلاسیک نزدیک‌تر است تا شیوه‌های مدرن روایی در ادبیات نمایشی. از همین رو بود که هالیوود نیز به این نوع آثار روی خوش نشان می‌داد تا دستمایه ساخت فیلم سینمایی شوند. لیلین هلمن در روباه‌های کوچک بیش از توجه به موقعیت‌های نمایشی با ترتیب دادن بازی نمایشی، دل‌بسته تعریف کردن یک داستان کامل برخوردار از چهارچوبی محکم براساس سنت‌های روایی کلاسیک ادبیات نمایشی است. همین نکته که باعث شده است اثر حاضر به یکی از متون آموزش نمایشنامه‌نویسی کلاسیک در آمریکا بدل شود؛ از دیگر سو موجب کم‌توجهی علاقه‌مندان ادبیات نمایشی مدرن به روباه‌های کوچک شده است، چنانکه آن را اثری متوسط ارزیابی می‌کنند. با این اوصاف به نظر می‌رسد توصیه دشیل همت به هلمن چندان هم به دلیل بی‌علاقگی اش به نمایشنامه‌نوسی نبوده است و احتمالا به هلمن می‌گفته تو که روی سن تئاتر

به این خوبی داستان تعریف می‌کنی، چرا آن را در قالب داستان نمی‌نویسی؟ به هر روی هلمن خود روباه‌های کوچک را برای هالیوود تبدیل به فیلمنامه کرد و ویلیام وایلر آن را جلوی دوربین برد و هلمن را کاندیدای اسکار بهترین فیلمنامه آن سال کرد. در انتهای کتاب حاضر به سنت معمول در مجموعه جامانده‌های نشر قطره مقاله‌ای در باره این نمایشنامه با عنوان «بورژواهای کوچک» نوشته محمد رضایی‌راد منتشر شده است که تحلیلی خواندنی از روباه‌های کوچک، شاخصه‌ها و سنتی که از آن بیرون آمده به مخاطب ارائه می‌کند.

## فروش باغ آلبالوز مرز ۱۰۰ میلیون گذشت



نمایش «باغ آلبالو» به کارگردانی آتیلا پسیانی تا پایان آبان ۱۰۱ میلیون و ۲۵۰ هزار تومان فروخت. این نمایش در ۲۹ اجرای خود تا پایان آبان ماه، برای ۶۱۰۲ تماشاگر روی صحنه رفته و گیشه آن تا این تاریخ یک میلیارد و ۱۲ میلیون و ۵۰۰ هزار ریال اعلام شده است. برای این نمایش که در تالار چهارسوی مجموعه تئاتر شهر روی صحنه است، ۴۹۵۸ بلیت تمام‌بها، ۲۰۹ بلیت نیم‌بها و ۹۳۵ بلیت

مهمان ارائه شده است. نمایش «موش نوی بیت حلیی» به کارگردانی علی هاشمی نیز که روز جمعه ۲۹ آبان به اجرای خود در تالار سایه خاتمه داد برای ۲۳۵۸ تماشاگر اجرا شد. جمع فروش این نمایش ۲۰۴ میلیون و ۲۲۵ هزار ریال اعلام شده است. نمایش «تور» کار حمیدرضا نعیمی نیز که در سالن اصلی مجموعه تئاتر شهر اجرای خود را آغاز کرده، تنها در دو اجرای اول خود ۱۲۲۸ تماشاگر داشت که فروش آن ۱۶۶ میلیون و ۷۹۵ هزار ریال بوده است.

نمایش «فولاد هرگز رنگ نمی‌زند» به کارگردانی زری اماد نیز که در پلانتو مجموعه تئاتر شهر روی صحنه است، طی اجرا ۱۶۲ تماشاگر داشته و رقم فروش آن تا ۲۹ آبان ۷ میلیون و ۸۰ هزار ریال است.

خانه نمایش اداره تئاتر نیز روز ۱۹ آبان میزبان آخرین اجرای «ایستاده در موقعیت» بود. این نمایش در سه روز پایانی میزبان ۷۴ تماشاگر بود. نمایش «کوچ» به کارگردانی حسین احمدی قاجاری نیز از ۲۰ آبان کار خود را در این سالن شروع کرده است.

را بر سردرش نوشته باشند غذایش هم تعریفی نخواهد داشت. البته دوستان گرمای هوا را بهانه کردند و بنده را به زور میهمان احمدی کردند. بعد هم نغذاشتند بروم به صاحب آن رستوران «اولین» و «تنهاتین» و «مبتکر» توضیح بدهم که این جمله غلط است و چرا غلط است. در عوض دل من از این نکته شاد شد که غذا اصلا باب طبع دوستان نبود و در نهایت احساس کردند پوشان را دور ریخته‌اند. شیوع این غلط‌ها و تذکر ندادن به کسانی که چنین غلط‌هایی را گل درشت و مشخص در دید عموم قرار می‌دهند مرا – اگر نگویم ناامید حداقل نگران‌تر می‌کند. ای کاش فرهنگستان زبان و ادب فارسی با همکاری اداره اماکن لااقل برای غلط‌هایی از جنس آنچه در باره رستوران احمد بی مثال زدم چاره‌ای می‌اندیشید. از بنده جز دعا کردن و غر زدن در این ستون و بعضا نکته‌ای را تذکر دادن کاری ساخته نیست. امید که ما مردم؛ خود ما مردم به بزرگ‌ترین خانه‌ای که داریم بیش از اینها بها بدهیم که به قول هایدگر: «زبان، خانه هستی است.»